

هدتها باید به روش جبهه‌ای کار کرد

پاسخ لطف الله میثمی

اصولاً "پیدایش قانون احزاب و تصویب آن در سال ۶۰ در مجلس شورای اسلامی ناشی از قدرت و فشار قانون اساسی بوده که این قانون ثمره انقلاب و خون شهدا و مینای وحدت نیروهای مختلف در ایران می‌باشد و لذا از این دیدگاه قانون خوبی است و محدودیت‌های آن هم ناشی از وقایعی است که قبل و در جریان تصویب این قانون اتفاق افتاد نظیر نتایج تلخی که در گنبد و کردستان و خوزستان و آذربایجان گذشت که مردم و نمایندگان را نسبت به گروهها بدبین نمود و واژه گروهک متولد شد، درگیریهای خیابانی ۳۰ خرداد و انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و انقحار نخست‌وزیری، به‌رحال قانون اساسی را بایستی پاسداری کرد و در احیای آن کوشید، بنظر من در شرایطی که روابط حاکم بر ضوابط است هر گزایشی به روح قانون که میثاق وحدت پس از انقلاب بود مترقی و موجب ثبات در

مملکت است. در مورد نظام چندحزبی و یا تک‌حزبی باید گفت از آنجا که بشر فطرتاً به حقیقت و الله و یک نظم و قانون واحد معتقد است و مایل است که به یک ملت منسجم و یک حزب واحد برسد لذا حزب واحد ایده‌آل بشر است. نیروهای انقلابی جهان نیز در جهت بین‌المللی کردن یک حزب تلاشهای زیادی نموده‌اند ولی صحبت از تحقق آن در ایران است کشوری استعمارزده و مملو از ایادی مرموز که چهارراه بینشها و فلسفه‌های مختلف نیز هست و تنها راه رسیدن به وحدت این است که به لحاظ تشکیلاتی تا مدت‌ها به روش جبهه‌ای کار کرد تا مفاهیم و برداشتها به هم نزدیک گشته و شناخت از یکدیگر حاصل گردد و زمینه‌ای برای یک حزب واحد با یک ایدئولوژی واحد فراهم شود. در شرایط فعلی، حزب‌الله هم متوجه شده که بینش واحدی حتی در درون روحانیت وجود ندارد مرحوم مصدق معتقد بود در کشوری استعمارزده چون ایران اگر یک حزب واحدی بوجود آید ایادی مرموز بعلت

رهبری سپهری سروصدایی داشت.

این احزاب متخصص درگیریهای خیابانی بودند و افرادی مخصوص همین کار داشتند. درحالی که احزابی چون حزب مردم ایران و حزب ایران خود را آلوده به تظاهرات خیابانی نمی‌کردند. داغ شدن حزب‌بازی و روزنامه‌داری در پایان دهه ۲۰ تا آنجا رفته بود که ملکه اعتضادی یکی از چهره‌های مشهور خیابان‌ها نیز حزبی با نام ذوالفقار ایجاد کرده بود. بسیاری از افراد نیز زیر نام جمعیت فعالیت داشتند و از دادن عنوان حزب به خود پرهیز می‌کردند. از آن جمله انور خامه‌ای - عضو انشعابی حزب توده - که جمعیت‌رهایی کار و اندیشه را بنیاد گذاشته بود. قبلاً جمعیت مراقبت از آزادی انتخابات که بقای

ایجاد کرده بود، در انتخابات دوره شانزدهم اثر گذاشت. اما در این کار نیز حزب توده پیشرو بود، ۱۵ جمعیت که توسط این حزب ایجاد شده بود، راهمایی بود تا کسانی را که از عضویت در حزب ابا داشتند، به آن متصل کند. بعضی از این جمعیت‌ها عبارت بودند از هواداران صلح، مبارزه با استعمار، کانون جوانان دمکرات، مستاجرین، سازمان زنان ایران، حقوقدانان دمکرات، مبارزه با بی‌سوادی، کمک به دهقانان، حمایت کودکان، آزادی ایران و...

در سال ۳۱ که اوج نهضت ملی کردن نفت بود، احزاب یکی یکی چندبخش می‌شدند. حوادث تند، همسوئی و اتحاد را مجال نمی‌داد. از جمله حزب ایران بزرگترین متحد

حزب نیروی ملت
حزب وحدت ملی کردستان
حزب وطن
حزب همراهان
حزب هچاکیان (زنگ)
دانشجویان مبارز
راه کارگر
راه فدایی
رزمندگان آزادی طبقه کارگر
سازمان اسلامی شورا (ساش)
سازمان اتحاد مبارزه در راه طبقه کارگر
سازمان انقلابی جمهوری اسلامی (ساتحا)
سازمان انقلابی زحمتکشان ایران
سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران
سازمان انقلابیون کمونیست (م. ل.) (گومله)
سازمان تروتسکیست‌ها
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
سازمان جاوید آرمان خلق
سازمان جوانان مجاهدین علی‌اکبر (ع)
سازمان جنبش نوین رهایی بخش خلق‌های
سازمان چریکهای اتحاد مثلث ایران
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
سازمان حجاز
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
معروف به اصولیها
سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اقلیت)
سازمان فجر
سازمان کارگر
سازمان مجاهدین الله
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (مرکب از
سازمان مجاهدین خلق ایران هفت گروه)
سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان
سازمان مبارزه برای ایجاد جنبش مستقل
سازمان ملی دانشگاهیان ایران
سازمان مبارزین پیشرو

جبهه ملی که نخسب و رازی از آن جدا شدند و حزب اسلامی (سوسیالیست‌های خدایرست) را ایجاد کردند که عملاً "کادر جوان حزب ایران را به خود جذب کردند.

حزب توده با آن که از سال ۱۳۲۷ منحل شده بود در دولت دکتر مصدق فعالیت آزاد داشت. با دهها روزنامه و در همین فاصله توانست یک سازمان مخفی و یک سازمان نظامی نیز به وجود آورد. این نخستین بار بود که حزبی در ارتش رسوخ می‌کرد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا ۲۰ ماهی ممانعت با احزاب و گروهها ادامه داشت. اما پس از آن که قانون تاسیس کسرسوسوم به تصویب رسید و جای امریکایی‌ها تثبیت شد، یورش فرمانداری نظامی و بعداً "سازمان اطلاعات و امنیت کشور ابتدا

بیبندشان با شبکه‌های اطلاعاتی جهانی
سریعا در آن رشد کرده و در راس حزب قرار
می‌گیرند، با همین استدلال بود که با یک‌حزبی
مخالف و با الگوی جبهه‌ای موافق بود.

۲: چه قانون احزاب اجرا شود و چه
نشود بستگی به جوهره و انسجام خود احزاب
و گروهها دارد. در هر شرایطی اگر احزاب،
منطق پاک و عمل صالحی ارائه دهند فراگیر
خواهند شد. البته در شرایط آزادی احزاب
و گروهها، این فراگیری سریعتر انجام می‌شود.
اگر هم حرفی برای زدن و عمل صالح و رهگشایی
نداشته باشیم این آزادی موجب عدم انسجام
و انزوای بیشتر گروهها خواهد شد. در صورت
آزادی احزاب این احساس رشد خواهد کرد
که اکثر مردم در حاکمیت شریک می‌شوند چرا
که نظراتشان از رسانه‌ها منعکس می‌گردد و
بدین لحاظ روی بافت سیاسی ایران تأثیر
می‌گذارد.

۳: سؤال شما براساس فرض غیر فعال
بودن احزاب قبل از پیروزی انقلاب اسلامی
قرار دارد که به نظر من چنین نبوده است.
پس از کودتای ۲۸ مرداد احزاب و گروهها
وجود داشتند ولی فعالیتشان مخفی و گاهی
علنی بود و با استمرارشان در فعالیت تدریجا
خود را در بین مردم تثبیت نمودند نظیر
نهضت مقاومت ملی، نهضت آزادی، جبهه
ملی، حزب اسلامی ملل، مؤتلفه، سازمان
مجاهدین و گروههای غیرمذهبی. به نظر
می‌رسد این بار هم احزاب و هم مدیریت نظام
پخته‌تر عمل کنند. مسئولین نیز در هر موردی
حساب‌شده‌تر اظهارنظر نمایند چرا که
سخنانشان موشکافی و نقد و بررسی خواهد

به حزب توده، و پس از آن به حزبها و
جمعیت‌های دیگر آغاز شد. در این میانه
جبهه ملی نیز از هم پاشید. اما نهضت مقاومت
ایران شکل گرفت و جبهه ملی دوم تاسیس
شد. اما به تدریج احزاب تشکیل‌دهنده جبهه
ملی از صحنه محو شدند. پان ایرانیزم به
رهبری محسن پریشکورتنهازبی بود که فعالیت
داشت و روزنامه خاک و خون را منتشر می‌کرد.
خفقان تا ۸ سال تاب آورد. ۸ سال بعد
اسدالله علم و منوچهر اقبال که هر دو از
وابستگان دربار بودند حزب مردم و حزب
ملیون را ایجاد کردند. دکتر امینی با کمک
حسن ارسنجانی و محمد درخشش "منفردین"
را ایجاد کرد. که سومین نیروی در صحنه بود.
با روی کار آمدن امینی، جبهه ملی دوم و

است. ارائه این تئوری تضمینی است برای
برخورد فعالتر مردم با قانون احزاب.

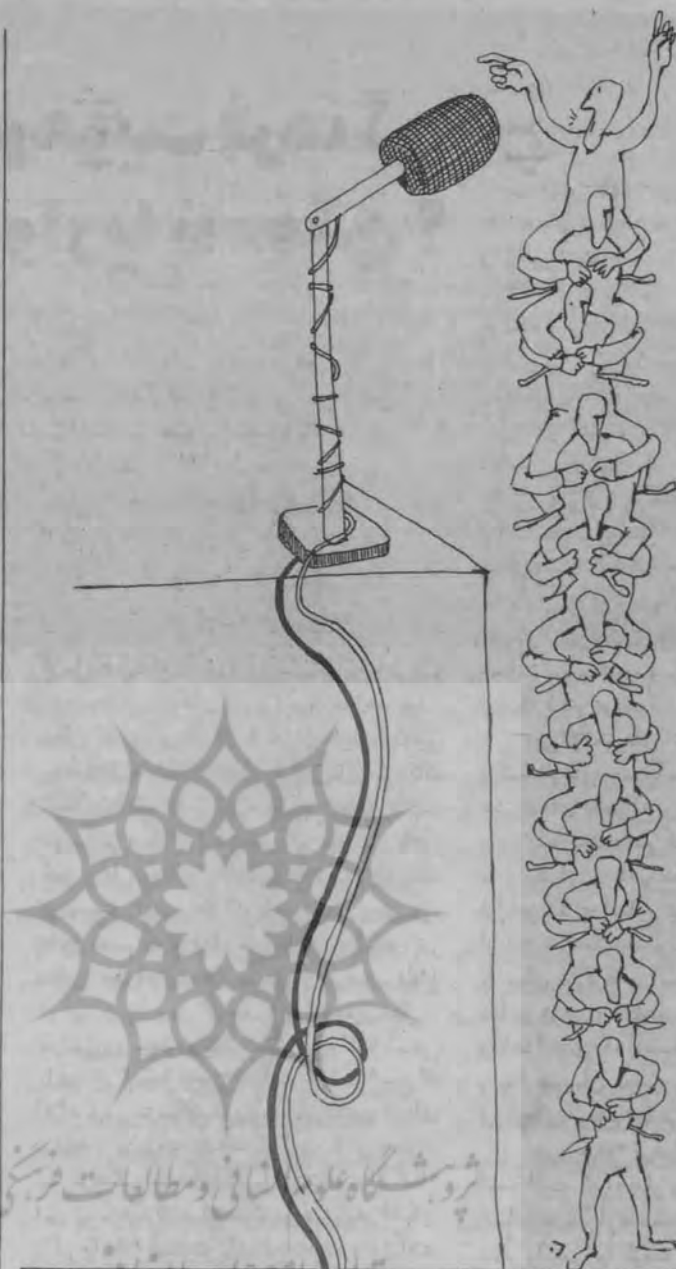
۴: وزارت کشور بایستی احزاب و گروهها
را چه در شرایط صلح و چه در شرایط جنگ و
بحران در جریان مصلحت انقلاب و نظام قرار
دهد و آنها را آزاد بگذارد باشد که از این
طریق از استعدادهای سیاسی - ایدئولوژیک
جامعه در حل بسیاری از معضلات کمک گرفته
شود. از نظر امکاناتی نیز بایستی وزارت کشور
زمینه‌های اظهار نظر صاحبان را در رسانه‌های
عمومی نظیر رادیو، تلویزیون و مطبوعات
کثیرالانتشار فراهم آورد.

۵: مدیریت نظام، اقدام اخیر را در
جهت تحقق قانون اساسی و همچنین قانون
احزاب مصوب شهریور ۳۰ می‌داند و علت
تاخیر در اجرا را ضرورت جنگ اعلام نموده
است. بنظر می‌رسد که دلیل فوق دیدگاه
خوبی نسبت به احزاب نباشد چرا که وجود
احزاب و گروهها در شرایط بحرانی یا جنگ
کارسازتر است و جامعه را متعادلتر و باثبات‌تر
می‌نماید. اگر به مسئله احزاب با دیده مشورتی
نظر افکنده شود دیگر ضرورتی برای تعطیل
آنها در شرایط جنگ وجود نخواهد داشت.
علاوه بر این در شرایط فعلی بظاهر جنگ تمام
شده درحالی که بحرانی بدتر از جنگ وجود
دارد. بحران صلح مسلح، بحران نه جنگ نه
صلح، حال در چنین شرایطی اجرای قانون
احزاب یا منطق تعطیل احزاب در شرایط
بحرانی "همخوانی ندارد. مدیریت نظام
جمهوری اسلامی بایستی تئوری معرفتی خود
را در مورد آزادیها مطرح نماید تا معلوم گردد
که اجرای قانون احزاب ذاتی نظام بوده یا
ناشی از ضرورت‌های موقتی داخلی و خارجی

۶: سؤال فوق کلی بوده و بدون توجه
به تک‌تک مخاطبین تهیه شده است. در سؤال
مشخص نشده که منظور از عدم توفیق در اجرای
برنامه‌ها چه مواردی بوده است.

ولی احزاب ملل اسلامی، چریک‌های فدائی
خلق و مجاهدین خلق به عنوان سازمانهای
مسلح مخفی شکل گرفته و هرکدام دست به
عملیاتی در ترور شخصیت‌های وابسته به رژیم
زدند. در زمان نخست‌وزیری بختیار دوباره
احزاب سیاسی شکل گرفتند از جمله جبهه ملی
(سوم) و نهضت آزادی. اولی دکتر سنجابی
و دومی مهندس بازرگان را در راس داشتند.
در این میانه حزب توده ایران نیز به دبیرکلی
(کیانوری) در خارج تشکیلات خود
را در داخل شکل داد.
با پیروزی انقلاب، نهضت آزادی که
رهبرش به عنوان نخستین نخست‌وزیر جمهوری
اسلامی برگزیده شده بود، جبهه ملی که دکتر
سنجابی رهبرش وزارت خارجه را عهده‌دار

سازمان وحدت کمونیستی
 ستاره سرخ
 سپند (هوادار اتحاد مبارزه در راه آرمان
 طبقه کارگر)
 شفق سرخ
 شورای اتحادیه‌های رنجبران ایران
 فداییان اسلام
 فرقه ترقی و تمدن تام یا خیال خام برای
 فرقه دموکرات آذربایجان
 فریب عوام
 فرقه دموکرات کردستان
 فرقه کمونیست ایران
 کانون ابلاغ اندیشه‌های شریعتی
 کانون زندانیان دوره استبداد
 کانون زرتشتیان
 کانون مستقل معلمان
 کمونیست‌های مستقل ایران
 کمیته زرتشتیان ایران
 کمیته نبرد کارگران ارامنه
 گروه آزادی و برابری
 گروه احمدزاده
 گروه اتحاد کمونیستی
 گروه انقلابی ابوذر
 گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست
 (بیکار خلق)
 گروه بشارت
 گروه پیشرو
 گروه جریان
 گروه جنگل
 گروه سه‌شنبه
 گروه صدای معاصر
 گروه عدالت‌خواهان
 گروه فلسطین
 گروه کار
 گروه مبارز
 گروه مبارزه برای آزادی طبقه کارگر
 گروه محمد چوپانزاده
 گروه منشعب از حزب توده ایران
 گروه میهن پرستان
 گروه نبرد برای رهایی طبقه کارگر
 گروه یاران حیدر عمواوغلی
 مبارزان راه طبقه کارگر
 مبارزین آزادی طبقه کارگر
 مبارزین راه اتحاد حزب طبقه کارگر
 (متحد خلق)
 مجمع ادب
 محفل مارکسیستی آزادی کارگر
 منشعبین سازمان رزمندگان ایران
 نبرد
 نبرد برای رهایی طبقه کارگر
 ندای کارگر
 نهضت آزادی
 نهضت مجاهدین خلق ایران (میثم)
 نهضت مقاومت ملی
 نیروی سوم و سوسیالیسم
 همراهان سوسیالیست
 هیئت‌های موافق اسلام



برخی از سازمانهای سیاسی دیگر گسترش یافت. علاوه بر اینها، گروههای مسلح و زیرزمینی دوران شاه نیز به صحنه آمده و فعالیت سیاسی آغاز کرده بودند: فدائیان اسلام، چریکهای فدائی و مجاهدین خلق. پس از انقلاب، دو حزب اسلامی نیز به وجود آمدند: حزب جمهوری اسلامی به رهبری دکتر بهشتی، حجت‌الاسلام‌خامنه‌ای و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، و حزب خلق مسلمان با حمایت شرعتمدار. با تعطیل حزب جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۵، تنها حزب و گروهی که فعالیتهای نسبی سیاسی داشت نهضت آزادی بود.

شده بود، حزب ملت ایران که رهبرش داریوش فروهر وزارت کار دولت موقت را عهده‌دار بود و جاما که دکتر کاظم سامی دبیرکلش وزارت بهداشتی را به عهده گرفته بود، و حزب توده و حزب زحمتکشان در صحنه ماندند و بقیه احزابی که در چندماه آخر رژیم سلطنتی به وجود آمده بودند، یکی یکی از صحنه محو شدند. از جبهه ملی، حزب ایران که عضوی از آن (شاپور بختیار) در آخرین ماه سلطنت شاه نخست‌وزیری را پذیرفته و از آن جبهه اخراج شده بود به دبیری ابوالفضل قاسمی فعالیت اندکی داشت. اما از جهت دیگر جبهه دمکراتیک ملی (به رهبری هدایت متین‌دفتری نوه دکتر مصدق) که در اولین ماههای پس از انقلاب شکل گرفته بود با پذیرش